مداحان

بانک جامع اشعار



با موضوع: حضرت امام حسن عسکری (ع)

جلد(۱۳)

بسم الله الرحمن الرحیم

بانک جامع اشعار مداحان

نویسنده:

مهدی سروری

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

بانک جامع اشعار مداحان جلد ۱۳

مشخصات کتاب

سرشناسه:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان،۱۳۹۰
عنوان و نام پدیدآور:بانک جامع اشعار مداحان (جلد ۱۳)/ مهدی سروری (مداح)
مشخصات نشر:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه و رایانه
موضوع : حضرت امام حسن عسکری (ع)

حضرت امام حسن عسکری (ع)

ولادت

۱- ای درود از داورت، بر جمال داوری

مشخصات

مناسبت ولادت
سبک مرثیه
قالب آهنگین
شاعر سازگار حاج غلامرضا
منبع بهار امامت ۳
تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای درود از داورت، بر جمال داوری
ای به خیل انبیات جز محمّد سروری
رتبه‌ات بالاتر از رتبه ی پیغمبری
ای خدایت داده بر خلق دو عالم برتری
عید میلادت مبارک یا امام عسکری(۲)
*****
ای رخت آیینه ی چارده خورشید نور
صد کلیم‌الله را طورِ نور و نور طور
منجی کل وجود کرده از صلبت ظهور
نام نیکویت حسن چشم و چراغ حیدری

عید میلادت مبارک یا امام عسکری(۲)

*****

خرم از رویت وجود روشن از نورت فضا

نجل پاک فاطمه نور چشم مرتضی

حضرتت دوم حسن سومین ابن‌الرضا

محو خورشید جمالت مهر و ماه و مشتری

عید میلادت مبارک یا امام عسکری(۲)

*****

انبیا مشتاق تو اولیا دلباخته

در مه رویت خدا عکس خود انداخته

هیچکس قدر تو را جز خدا نشناخته

آری آری قدر گوهر را که داند گوهری

عید میلادت مبارک یا امام عسکری(۲)

*****

از خدا و انبیا بر تن و جانت درود

آسمانی‌ها برند بر سر جانت درود

نجل هادی هستی و هادیِ کلِّ وجود

می‌کند ماه جمالت تا ابد روشنگری

عید میلادت مبارک یا امام عسکری(۲)

*****

جلوه ی «الله و نور» در نجوم ظاهره

بر تو و مهدی سلام از بتول طاهره

کعبه اهل دلی در زمین سامره

ای ز شهر سامرایت بر خلایق رهبری

عید میلادت مبارک یا امام عسکری(۲)

*****

۲- ای به حق مقتدا ایها العسکری

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک مرثیه

قالب ترکیب بند

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع بهار امامت ۱

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای به حق مقتدا ایها العسکری

ای ولیّ خدا ایها العسکری

شمع جمع همه یوسف فاطمه

زاده ی مرتضی ایها العسکری

ماه رویت حَسن، خُلق و خویت حسن

حُسن سر تا به پا ایها العسکری

هم تو خیر العباد هم تو باب المراد

هم تو ابن الرضا ایها العسکری

هم سپاهت ملک، هم مطیعت فلک

هم به حکمت سما ایها العسکری

یابن خیر الوری سامرایت مرا

کعبه و کربلا ایها العسکری

*****

تو به ارض و سما، تو به اهل ولا

تو به خلق خدا، هادی و رهبری

چشم بد از تو دور، نورالانوار طور

دُر دَه بحر نور، بحر یک گوهری

تو به زهرا ثمر تو به هادی پسر

تو به مهدی پدر، تو به حق محوری

یوسف فاطمه، عرش را قائمه

تو ز وصف همه، بهتر و برتری

هم رضا طینتی، هم علی صولتی

هم نبی خصلتی، هم خدا منظری

روز میلاد تو، پَر زند یاد تو

دل سوی سامرا ایها العسکری

*****

مظهر حلم حق، مخزن علم حق

معدن حکمتی سیدی یا حسن

جلوه ی کبریا، وارث انبیا

حاصل عترتی، سیدی یا حسن

به جلالت درود، به جمالت درود

که خدا طلعتی، سیدی یا حسن

آیت محکمه، تو پناه همه

عالم خلقتی، سیدی یا حسن

هم امام امم، هم سپهر کرم

هم یم رحمتی، سیدی یا حسن

در زمین و زمان می برند انس وجان

بر درت التجا ایها العسکری

*****

حُسن حی صمد، وصف تو بی عدد

مهدیت تا ابد منجی عالم است

ای ولی خدا، ای چراغ هدی

وصف و مدح تو را، هرچه گویم کم است

دل محیط غمت، دیده ها مقدمت

زنده از یک دمت، صد مسیحا دم است

مهر تو یا حسن جان جانم به تن

سینه ی پاک من آیتی محکم است

روح تقدیم تو، قلب تسلیم تو

بهر تعظیم تو چرخ گردون خم است

به تو نازد رسول، به تو بالد بتول

به تو بخشد خدا ایها العسکری

*****

تو صراط اللّهم، تو چراغ رهم

رو به هر سو نهم قبله ام روی تو است

اشرف الانبیا، خاتم الاوصیا

آن ثنا خوان تو، این ثناگوی تو است

بر درت سائلم، کی شود شاملم

کز بهشت دلم، بشنوم بوی تو

گفتگویم تویی، آرزویم تویی

آبرویم تویی، ای دلم سوی تو

یا اباالمنتظَر، مرغ دل تا سحر

می زند بال و پر، بر سر کوی تو

سیدی «میثمم»، مهر تو همدمم

از تو گویم ثنا ایها العسکری

*****

۳- بر عسکری آن نور ولایت صلوات

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

بر عسکری آن نور ولایت صلوات

بر آن گل گلزار رسالت صلوات

خواهی که خدا گناه تو عفو کند

بفرست بر آن روح کرامت صلوات

۴- غنچه خندید که گل پیدا شد

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

غنچه خندید که گل پیدا شد

فصل سبز چمن طاها شد

سرّ سربسته ی ایمان آمد

عسکری حجت یزدان آمد

*****

جشن و شور است بپا در افلاک

نور باران شده آئینه ی خاک

یوسف حُسن به کنعان آمد

عسکری حجت یزدان آمد

*****

قدسیان عطر طرب می بویند

همه تسبیح خدا می گویند

عرش از نور چراغان آمد

عسکری حجت یزدان آمد

*****

نسل دین سلسله ی عترت اوست

عطر ایمان اثر دولت اوست

والد مهدی قران آمد

عسکری حجت یزدان آمد

*****

اهل دل دست دعا بردارید

سجده ی شکر خدا بگذارید

از خدا رحمت و غفران آمد

عسکری حجت یزدان آمد

*****

۵- دوش رفتم به بزم دُرد کشان

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب ترجیع بند

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

دوش رفتم به بزم دُرد کشان
تا بگیرم ز یار خویش نشان
دیدم آنجا ز فرط شور و شعف
محفلی دنج و عاری از خفقان
عده ای گرم گفتن تبریک
دسته ای مست باده ، دست افشان
زمره ای محو نکته ای مرموز
عده ای غرق خواندن قرآن
بود ساقی بزمشان آدم
نوح بد میزبان و ما مهمان
دیدم آنجا ستاده محو نماز
سرو قامت خلیل با ایمان
سر به سجده نهاده و دیدم
لب پر خنده موسی عمران
صاحب دم مسیح را گفتم
ای که بر جسم مرده بخشی جان
این چه شور است و این چه غوغائی است
که کمر بسته ای چنین به میان
گفت ساکت نشین و با ما باش
که رسد این ندا ز نای زمان
جان عالم در این جهان آمد
پدر صاحب الزمان آمد
*****
شد پراکنده در فضا تبریک
تا بر آمد ز ماسوی تبریک
تا حسن جلوه کرد در حسنات
گفت بر خویشتن خدا تبریک
حامل وحی خالق سرمد
گفت بر ختم الانبیاء تبریک
داد احمد به فاطمه مژده

گفت زهرا به مرتضی تبریک

تا قدم زد حسن به ملک وجود

به پدر گفت مجتبی تبریک

بهر خونخواهی حسین شهید

به بلا گفت کربلا تبریک

سید ساجدین به سجده ی شکر

گفت با احسن الدعا تبریک

تا شکافنده ی علوم شنید

زیر لب گفت بارها تبریک

گفت صادق به موسی جعفر

موسی جعفر بر رضا تبریک

به جوادش علی بن موسی

گفت از لطف کبریا تبریک

از قدوم حسن به هادی دین

همه گفتند یک صدا تبریک

جان عالم در این جهان آمد

پدر صاحب الزمان آمد

*****

حجت ذات کبریاست حسن

وارث ختم الانبیاست حسن

گر به جلوت علی است عین خدا

در عمل عین مرتضاست حسن

فخرش این بس که در جلالت و قدر

پسر سیدالنساست حسن

حُسن او هست احسن التقویم

ز آنکه همنام مجتباست حسن

در شهادت حسین گونه مرام

شاهد شور کربلاست حسن

در عبادت چو حضرت سجاد

زینت مسند دعاست حسن

عالِم علم ما یکون بی شک

همچو باقر برای ماست حسن

در فقاهت چو حضرت صادق

همچو کاظم به التجاست حسن
چون رضا مهربان و همچو جواد
مظهر بخشش و سخاست حسن
پسر هادی است و هادی ما
معنی نون انّماست حسن
جان عالم در این جهان آمد
پدر صاحب الزمان آمد
*****

۶- گل سرخ محمدی حسن به دنیا آمده

مشخصات

مناسبت ولادت
سبک ولادتی
قالب آهنگین
شاعر ناشناس
منبع بایگانی
تعداد استفاده ۰

متن شعر

گل سرخ محمدی حسن به دنیا آمده
پدر صاحب الزمان فاتح دلها آمده
ز سبوی حسن مستم ، ز همه من دل گسستم
سر رهش چو بنشستم
یا حسن جان خوش آمدی(۳)
*****
شده خندان فاطمه گل شقایق آمده
به لبش این زمزمه فخر خلائق آمده
ز می حبّ تو مستم ، سر کوی تو پا بستم
تو بگیر از وفا دستم
یا حسن جان خوش آمدی(۳)
*****
ز عطای داوری عزیز طه آمده

گل باغ حیدری عزیز زهرا امده

*****

شده هنگام طرب برای زهرا در جنان

شده روشن چشم مهدی آن امام شیعیان

*****

۷- ای گوهر پر فروغ زیبا مهدی

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای گوهر پر فروغ زیبا مهدی

ای یوسف گمگشته ی زهرا مهدی

در روز ولادت پدر جان پدر

تبریک مرا قبول کن یا مهدی

۸- ما شیفته ی علی و آل اوئیم

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ما شیفته ی علی و آل اوئیم

توفیق به کار خیر از ایشان جوئیم

میلاد امام عسکری را امروز

تبریک به صاحب الزمان می گوئیم

۹- تویی که بی قراری ، به دنبال نگاری

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک نوحه سنگین سنتی

قالب آهنگین

شاعر شاهنوری محمود

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

تویی که بی قراری ، به دنبال نگاری

ببند عهدی ، تو با مهدی ، شب شادی

شب شور و سروره

ماه و خورشید ، بگوش باشید ، که پنهان شید

آخه میلاد نوره

أب المهدی (۳) حبیبی یابن زهرا

*****

چو زهرا بی مثال است ، خداوند کمال است

زمین و آ ، سمان گشته ، معطر از

شمیم جانفزایش

خدا می ریـ، زد از بالا ، سبدهای

ستاره زیر پایش

أب المهدی (۳) حبیبی یابن زهرا

*****

خرابش چرخ هستی ، عجب چشمان مستی

ببار ای می ، نگو تا کی ، که پی در پی

گرفتار جنونم

عجب بزمی ، چه مهتابی ، چه اربابی

می خوام اینجا بمونم

أب المهدی (۳) حبیبی یابن زهرا

*****

الا مهدی کجایی ، دلم شد باز هوایی

شب میلا ، دِ باباته ، تو هم شمع

دل این انجمن باش

بیا آقا ، جون زهرا ، همین امشب

تو انصار الحسن باش

أب المهدی (۳) حبیبی یابن زهرا

*****

۱۰– ای ز حُسنت عیان جلوه ی داوری

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک مرثیه

قالب قصیده

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع نخل میثم ۴

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای ز حُسنت عیان جلوه ی داوری

طلعتت احمدی صولتت حیدری

بر تنت نارسا خلعت سروری

دیو و حور و ملک جنّ و انس و پری

جمله در محضرت گرم فرمان بری

سیدی یا حسن أیّها العسکری

*****

ای ز رخ داده نور بر مه و آفتاب

نجل ختم رسل زاده ی بوتراب

پیش تر از سؤال داده ما را جواب

دُرّ ده بحری و بحر یک درّ ناب

که بر آن ده کند درّ تو گوهری

سیدی یا حسن أیّها العسکری

*****

سینه ات مخزن سرّ سرّ و علن

والد حضرت حجه بن الحسن

من کجا مدح تو تو کجا مدح من

مهر هر آسمان ماه هر انجمن

در تمام وجود کرده روشنگری

سیدی یا حسن أیّها العسکری

*****

خال و خطّت حسن خُلق و خویت حسن

خلق و خویت حسن ماه رویت حسن

ماه رویت حسن عطر و بویت حسن

عطر و بویت حسن گفتگویت حسن

داده از هر حسن خالقت برتری

سیدی یا حسن أیّها العسکری

*****

چارده آینه روی زیبای تو

عطر مهدی دمد از نفس های تو

در دل ما بود چون خدا جای تو

سوره ی قدر و نور نقش سیمای تو

نور حُسن تو را مشتری مشتری

سیدی یا حسن أیّها العسکری

*****

خلق، در سایه و حق ثنا گسترت

هم ملک عسکرت هم بشر لشکرت

بر گرفته چو جان سامره در برت

صورت و سیرت احمد و حیدرت

ای دُر احمدی ای گل حیدری

سیدی یا حسن أیّها العسکری

*****

فیضت از سامره شامل عالم است

گفته هایت مدام آیت محکم است

سایه ات بر سر عالم و آدم است

گوهر مدح خلق در ثنایت کم است

وصف تو باید از منطق داوری

سیدی یا حسن أیّها العسکری

*****

قدسیان خادم آستان توأند

عرشیان طایر بوستان توأند

عارفان بنده ی دوستان توأند

زاهدان لاله ی گلستان توأند

مهر و مه را بود بر درت اختری

سیدی یا حسن أیّها العسکری

*****

ماه رویت برد جلوه از ده امام

بر تو و مادر و جد و بابت سلام

بی تو طاعت هدر بی تو جنت حرام

با تو قرآن درست بی تو دین نا تمام

مکتبت مکتب معرفت پروری

سیدی یا حسن أیّها العسکری

*****

مهدی فاطمه از تو یک یاسمن

هادی اهل بیت بر لبت بوسه زن

نورت از سامره هادی مرد و زن

در جهان و جنان در زمین و زمن

کثرت خیر تو می کند کوثری

سیدی یا حسن أیّها العسکری

*****

گر چه عمرت همه حبس و تبعید بود

کار تو دم به دم نشر توحید بود

نور علمت مدام با اساتید بود

منطقت علم را مُهر تأیید بود

لشکر دانشت در جهان گستری

سیدی یا حسن أیّها العسکری

*****

ای تولای تو دین و آئین من

مهر تو خوشتر از جان شیرین من

روح پاک دعا ذکر آمین من

کلّ ایمان من همه ی دین من

«میثم» از وصف تو می کند دلبری

سیدی یا حسن أیّها العسکری

*****

۱۱- گلشن توحید آباد امام عسکری است

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک مرثیه

قالب قصیده

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع نخل میثم ۴

تعداد استفاده ۰

متن شعر

گلشن توحید آباد امام عسکری است

دل بهشت نور با یاد امام عسکری است

جنت موعود میعاد امام عسکری است

مژده یاران عید میلاد امام عسکری است

کیست این مولود فرزند علی مرتضاست

قره العین علی بن جواد بن الرضاست

*****

درّ ده دریا و بحر یک دُرِ ناب خدا

نجل هادی آفتاب حسن مصباح الهدی

رهروان را رهنما و رهبران را مقتدا

سرّ بعد از انتها و نور قبل از ابتدا

هم زکی هم عسکری هم نام نیکویش حسن

رخ حسن خُلقش حسن خَلقش حسن

*****

ماه ده برج شرف خورشید حُسن پنج تن

عسکرش جن و ملایک خود ولی ذوالمنن

مهر او شیرین تر است از جان شیرین در بدن

نام نیکویش حسن چشم و چراغ بوالحسن

صد بهشت لاله ی توحید در لبخند اوست

عالمی در انتظار مقدم فرزند اوست

*****

گر چه عمری در میان دشمنان تبعید بود

دوستان را رهنما در عالم توحید بود

در درون ابرهای تیرگی خورشید بود

شیعه را در موج ظلمت پرتو امید بود

با وجود آن بهین نجل بتول طاهره

کعبه ی امّید خلق عالمی شد سامره

*****

نقش وجه ا... اعظم حُسن بی مانند او

می درخشد یک محمد نور در لبخند او

گردن تسلیم خلقت تا ابد در بند او

حجه بن العسکری گوید منم فرزند او

با وجود آن همه تبعید و دوران کمش

ریزه خوار سفره ی فضل و شرف شد عالمش

*****

ای فروزان ماه عالم در حجاب سامره

گشته بر دور مزارت آفتاب سامره

بوتراب بوترابی در تراب سامره

ابر رحمت گشته از فیضت سحاب سامره

اختران آسمان در ظلّ دیوار تواًند

آسمانی ها زمین بوسان زوّار تواًند

*****

سامره یک آسمان توحید دارد در بغل

سامره یک کعبه ی امید دارد در بغل

سامره دو ماه و دو خورشید دارد در بغل

سامره ماهی که نتوان دید دارد در بغل

روز و شب دائم سلام خلق و حیّ داورت

بر تو و باب تو و برعمه و بر همسرت

*****

باب تو همچون تو وجه ا... ذوالمن پرورد

عمه ات در وادی جان طور ایمن پرورد

مکتب مهر و وفا در قلب دشمن پرورد

نر گست ریحانه چون مهدی به دامن پرورد

فرشیان در عرش می گردند گرد حائرت

روح می گیرند از فیض دعای زائرت

*****

ای قرار دل که دل شد بی قرارت یا حسن

جان خوبان جهان یکسر نثارت یا حسن

ماه نرگس بوسه گیرد از مزارت یا حسن

روح، مرغ کوچکی در شاخسارت یا حسن

ده ولی ا... اعظم را سرور سینه ای

یک جمال و چارده خورشید را آیینه ای

*****

تا گشودی لب، بهار معرفت آغاز شد

مرغ جان بر شاخسار علم در پرواز شد

رهروان علم را پیوسته کشف راز شد

سرّ کفر افشا شد و مشت نصارا باز شد

ای فدای دانش و فضل و کمال و علم تو

می طراود خُلق و خوی مصطفی از حلم تو

*****

خاک راه زائرت از مشک و عنبر بهتر است

ریگ صحرایت ز لعل و درّ و گوهر بهتر است

مهر تو از کل نعمت های داور بهتر است

مدح تو از جان شیرینم به پیکر بهتر است

هر که بودم هر که هستم یا امام عسکری

خویشتن را بر تو بستم یا امام عسکری

*****

گر چه خارم سر بر آوردم ز بستان شما

با عنایات شما گشتم ثناخوان شما

رنگ و بو بگرفتم از باغ و گلستان شما

این من و دست تهی این لطف و احسان شما

تا ثنا خوان شمایم سرفراز عالمم

دست بوس میثم دار ولایت، «میثمم»

*****

۱۲- پیوسته خیزد از نفسم روح پروری

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک مرثیه

قالب قصیده

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع نخل میثم ۴

تعداد استفاده ۰

متن شعر

پیوسته خیزد از نفسم روح پروری

ریزد هماره از دهنم فیض کوثری

در کام من زبان حرکت می کند ولی

دیگر کسم کند به درون مدح گستری

گویی مسیح در نفسم روح می دمد

یا با امین وحی شدم گرم شاعری

ریزد هماره از دهنم گوهر سخن

چون رحمت بهار در اوصاف عسکری

ابن الرضا امیر قضا نجل مرتضی

آیینه ی جمال خداوند اکبری

خورشید آسمان امامت که مهر و ماه

گردند دور سامره اش همچو مشتری

نور دو چشم چار علی نجل ده امام

فرزند سه محمد و مرآت جعفری

قرآن نیازمند به حُسن کلام او

توحید کرده با نفسش روح پروری

نامش حسن وجود حسن خلق و خو حسن

سر تا به پاش آینه ی حُسن داوری

پرسند اگر بهای ولای ورا بگو

دارد به کل طاعت کونین برتری

با طاعت ملایکه و جن و انس نیست

غیر از جحیم خصم ورا راه دیگری

شیطان که جن و انس بر او لعن می کنند

در عرصه ی جزا بود از خصم او بری

عباسیان حقیر جلال و مقام او

در اوج اقتدار و جفا و ستمگری

در نزد بارگاه جلالش کم آورد

گر مسجد الحرام نماید برابری

ما را بود به سامره اش روی بندگی

او را بود به عالم ایجاد برتری

آبای او هماره امامان روزگار

فرزند او کند به همه خلق برتری

آیینه ی جمال جمیلش محمدی

شمشیر و دست و قدرت و بازوش حیدری

در مکتب و عقیده ی ما این شگفت نیست

آید گر از گدای درش کیمیا گری

در جن و انس لشکر او راست اقتدار

بر کاینات عسکر او راست محوری

موسی در آستان جلالش عصا به دست

عیسی کند به یُمن ولایش پیمبری

او هم کلام حق بود و هم کلیم حق

دور از محیط سامره اش کید سامری

بهر نیاز بر حرمش آورند رو

جن و بشر، ملائکه و حوری و پری

مرهون عمر کوته او عمر روزگار

ممنون فیض دائم او چرخ اخضری

ای نور چشم هادی و ریحانه ی جواد

ای وصف تو ورای حدود سخن وری

ایمان بدون مهر و ولای تو کفر محض

طاعت سوای دوستی ات شرک و کافری

آغوش مهر توست به از دامن پدر

دامان لطف توست به از لطف مادری

با بغض تو اطاعت و عصیان بود یکی

بی مهر تو عبادت کونین خود سری

پر می زند دلم به سوی صحن سامره

دارم هماره در حرمت شوق زائری

«میثم» توان گفتن مدح تو را نداشت

لطف و عنایت تو مرا کرد یاوری

۱۳- ای شرفت فوق ثنا گستری

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک مرثیه

قالب قصیده

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع نخل میثم ۴

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای شرفت فوق ثنا گستری

داده خدایت به جهان برتری

شمس و قمر دور رخت مشتری

کرده ز خلق دو جهان دلبری

خاک کف پات سر سروری

سیدنا یا حسن العسکری

*****

قدر، بود رشته ای از موی تو

بدر، بود آیتی از روی تو

خُلق عظیم نبوی خوی تو

مهدی موعود ثناگوی تو

مهر تو بر چرخ کند محوری

سیدنا یا حسن العسکری

*****

نخل وجودت ثمر فاطمه

بحر عنایت گهر فاطمه

شمس ولایت قمر فاطمه

صد چو مسیح ای پسر فاطمه

از تو گرفته دم جان پروری

سیدنا یا حسن العسکری

*****

یازدهم آینه ی سرمدی

نام، حسن خود بری از هر بدی

پیر خرد درس تو را مبتدی

نطق تو را موعظه ی احمدی

تیغ تو را معجزه ی حیدری

سیدنا یا حسن العسکری

*****

بر سه محمد ثمری یا حسن

چار علی را پسری یا حسن

مصلح کل را پدری یا حسن

فوق ثنای بشری یا حسن

کرده خدا بر تو ثنا گستری

سیدنا یا حسن العسکری

*****

جود ز تو لطف و عنایت ز توست

حکمت و توحید و ولایت ز توست

آنچه شنیدیم روایت ز توست

رهبری و علم و هدایت ز توست

بر تو برازنده بود رهبری

سیدنا یا حسن العسکری

*****

نور هُدی یا حسن بن علی

بحر عطا یا حسن بن علی

روی خدا یا حسن بن علی

هست روا یا حسن بن علی

حُسن تو را لاف خدا منظری

سیدنا یا حسن العسکری

*****

ای همه جا وصف تو نُقل دهن

مهر تو خوشتر بود از جان به تن

وای به من مدح تو و طبع من

کار نیاید ز بیان و سخن

گر چه کند لعل لبم گوهری

سیدنا یا حسن العسکری

*****

راه خدا راه نبی راه توست

سرّ ازل در دل آگاه توست

عرش برین پایه ای از جاه توست

بنده ی شرمنده ی درگاه توست

حور بود یا که ملک یا پری

سیدنا یا حسن العسکری

*****

محنت دوران به تو همراه بود

هر نفست یک شرر آه بود

همدم تنهای شبت ماه بود

عمر تو هر چند که کوتاه بود

تا ابد الدهر کنی سروری

سیدنا یا حسن العسکری

*****

حیف که قدر تو فراموش شد

نیش بلا بر جگرت نوش شد

نغمه ی توحید تو خاموش شد

مهدی موعود سیه پوش شد

کرد نفس در دل او آذری

سیدنا یا حسن العسکری

*****

ای جگر غم ز غمت چاک چاک

ای بدنت پاک تر از جان پاک

وای من از این اِلَم دردناک

با چه گنه شد حرمت تلّ خاک

ای حرمت بارگه داوری

سیدنا یا حسن العسکری

*****

تو گلی و من همه خار تو أم

در وطنم دُور دیار تو أم

اشک فشان گرد مزار تو أم

«میثم» دلخسته ی دار تو أم

بر تو کنم بر تو ستایشگری

سیدنا یا حسن العسکری

*****

فضائل

۱– ای گرد کاروان تو را حُسن مشتری

مشخصات

مناسبت مدح

سبک مرثیه

قالب قصیده

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع بهار امامت ۳

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای گرد کاروان تو را حُسن مشتری

بر خسروان گدای تو را نیز برتری

کنیه: «ابامحمّد» نام خوشت«حسن»

«ابن‌الرضا»، ولیِّ خدا، شهره «عسکری»

خاک حریم قدس تو را فیض عیسوی

عبد در تو را روشِ بنده‌پروری

یک آسمان ستاره زمین‌بوس آستان
صدها هزار مشتری‌ات گشته مشتری
پایت در آسمان، حرمت «سرّ من را»
از «سرّ من رآ»ت بر افلاک رهبری
با اقتدار و قدر و جلال الهی‌ات
خلق خوش محمّد و بازوی حیدری
نام‌آوران برند به تجلیل از تو نام
پیغمبران کنند به مهرت پیمبری
از بام چرخ نقش زمین گردد آفتاب
خواهد اگر زند به تو لاف برابری
گر با تو دشمنم کند اعلان دوستی
من می‌کنم بر او ز دل و جان برادری
با ا... قسم به چون تو پدر فخر می کند
بر خاک نرجس ار نبرد سجده مادری
با یک نسیم سامره ات می‌توان گرفت
فیض مسیح از دم بیمار بستری
بی مهر تو اگر پدر و مادرم برند
سوگند می‌خورم که من از هر دوَم بری
حاشا که هر حسن «حسن عسکری» شود
تو دیگر استی و دگرانند دیگری
باید پدر تو باشی و مهدی بوَد پسر
بر این گهر به جز تو کسی نیست گوهری
دردا که کشت معتمدِ سنگدل تو را
در هشتم ربیع نخست از ستمگری
آزر گرفت تا جگرت از شرار زهر
بارید اشک شیعه چنان ابر آذری
جا دارد ار برای تو گریند روز و شب
جنّ و ملک زمین و زمان حوری و پری
مهدی غریب و نرجس مظلومه شد غریب
آن بانویی که داشت به تو فخر همسری
دردا که در بهار جوانی خزان شدی
از بس که کرد ساقی غم بر تو ساغری
پیوسته باد گریه ی «میثم» نثار تو

کاو را بوَد به خاک شما خط نوکری

۲- کیستم من؟ گوهر ده بحر نور کبریایم

مشخصات

مناسبت مدح

سبک مرثیه

قالب ترکیب بند

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع بهار امامت ۳

تعداد استفاده ۰

متن شعر

کیستم من؟ گوهر ده بحر نور کبریایم

آفتاب سامره، روشنگر ملک خدایم

آسمان معرفت را در زمین شمس‌الضحایم

کعبه‌ام، رکنم، مقامم، مروه‌ام، سعیم، صفایم

منظر حسن خدا مصباح انوارالهدایم

من ابوالمهدی امام عسکری ابن‌الرضایم

****

من همان دریای نور استم که نور از آن دمیده

دین و دانش را خدا در موج موجم پروریده

در درونم گوهر نابی چو مهدی آفریده

انتهایم را به جز چشم خدا چشمی ندیده

بشنوید ای آسمانی‌ها زمینی‌ها صدایم

من ابوالمهدی امام عسکری ابن‌الرضایم

*****

چارده معصوم گل پیداست از باغ جمالم

نیست آگه از جلالم، غیر ذات ذوالجلالم

تشنگان چشمه ی توحید را آب زلالم

بنده‌ام اما چو حی بی‌مثالم، بی‌مثالم

فیض‌بخش عالمی از شهر «سرّ من رآ»یم

من ابوالمهدی امام عسکری ابن‌الرضایم

*****

من علی بن جواد بن رضا را نور عینم

پیشتر از عالم خلقت هدایت بوده دینم

گر چه در سنّ شبابم پیر خلق عالمینم

هم محمّد، هم علی، هم مجتبایم، هم حسینم

هم بوَد زهد و کمال و عصمت خیرالنسایم

من ابوالمهدی امام عسکری ابن‌الرضایم

*****

پیشتر از خلقتم بر چشم عالم نور دادم

بر همه شورآفرینان تا قیامت شور دادم

پاسخ موسی بن عمران را به کوه طور دادم

حاجت ارباب حاجت را ز راه دور دادم

همچو اجدادم ز خلق عالمی مشکل گشایم

من ابوالمهدی امام عسکری ابن‌الرضایم

*****

من به شهر سامره خود کعبه ی اهل یقینم

پر زند همچون کبوتر در حرم روح الامینم

حاجت کونین می‌بارد چو باران زآستینم

حضرت مهدی پذیرایی کند از زائرینم

مهر و مه گیرند نور از گنبد و گلدسته‌هایم

من ابوالمهدی امام عسکری ابن الرضایم

*****

حضرت هادی از اوّل دید چون حُسن تمامم

خنده زد بر روی زیبا و «حسن» بگذاشت نامم

همچو قرآن بود روی سینه ی بابا مقامم

خود امام ابن امام ابن امام ابن امامم

دختر پاکِ یشوعا، همسر پاکیزه رایم

من ابوالمهدی امام عسکری ابن‌الرضایم

*****

جلوه ی معلوم و نامعلوم را دیدند در من

سرِّ هر مفهوم و نامفهوم را دیدند در من

انتقام خون هر مظلوم را دیدند در من

فاش گویم چارده معصوم را دیدند در من

چارده معصوم نورم، بلکه خود وجه خدایم

من ابوالمهدی امام عسکری ابن‌الرضایم

*****

گر چه ویران کرد دست شوم دشمن تربتم را

لطف حق افزود بین خلق عالم عزّتم را

تا قیامت او نگهدار است عصر دولتم را

بار دیگر دید دشمن قدر و جاه و رفعتم را

خشت خشت قبر ویران گشته‌ام گوید ثنایم

من ابوالمهـدی امام عسکری ابن‌الرضایم

*****

مهر ما در قلب ابناء بشر پایان ندارد

هر که مهر ما ندارد، در حقیقت جان ندارد

و آنکه شد بیگانه با آل علی ایمان ندارد

درد بغض ما به جز خشم خدا درمان ندارد

ای خوشا آن کس که گوید مدح، چون «میثم» برایم

من ابوالمهـدی امـام عسکری ابـن الرضایم

*****

۳– ای سامره ات قبله ی دل کعبه ی جان ها

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه

سبک مرثیه

قالب ترکیب بند

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع بهار امامت ۲

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای سامره ات قبله ی دل کعبه ی جان ها

ای سفره ی احسان تو پیوسته جهان‌ها

ای عبد خداوند و خداونـدِ زمان‌ها

ای پایه ی قدر و شرفت فوق مکان‌ها

آگاه ز اسرار عیان‌ها و نهان‌ها

کوتاه به مدح تو و وصف تو زبان‌ها

*****

ای روی تو در بزم ازل شاهد و مشهود

وی آمده ساجد به خدا بر همه مسجود

هم قبله ی حاجاتی و هم حجت معبود

هم حمدی و هم احمد و هم حامد و محمود

غیر از تو که باشد پدرِ مهدی موعود

مهدی که بهار آرد در فصلِ خزان‌ها

*****

ای جان جهان ای همه جان‌ها به فدایت

ای نام نکویت حسن ای حسنِ خدایت

خورشید پناه آرد در ظلّ لوایت

امضای عبادات همه مهر ولایت

بالاتر از آنی که بگویند ثنایت

بر اوج جلالت نرسد وهم و گمان‌ها

*****

در وصف تو اشیاء زبانند زبانند

جز مدح تو را خلق نخوانند نخوانند

گل‌های جنان بی‌تو خزانند خزانند

با آنکه مقام تو ندانند ندانند

پیوسته روانند روانند روانند

تا دور مزار تو بگردند روان‌ها

*****

بوی خوش جنت ز غبار قدم توست

عیسای مسیح آنچه که دارد ز دم توست

حاتم که کریم است، گدای درم توست

تو دست خدا هستی و هستی کرم توست

تنها نه فقط سامره ی دل حرم توست

هر جا نگرم از تو عیان است نشان‌ها

*****

تو درِّ گرانمایه ی دَه بحر کمالی

تو مهر فروزانِ سماواتِ جلالی

تـو عبـد، ولـی عبـد خداونـد جمـالی

احمد رخ و حیدر ید و صدیقه خصالی

دوم حسـن از حسـن خـدای متعـالی

ای شاهد حسن ازلت چشم زمان‌هـا

*****

ای خلق سماوات و زمین خاک در تو

ای چـار علـی آمـده جد و پدر تو

ای منتقـم آل محمّـد پسـر تـو

پیوستـه سـلام از طـرف دادگـر تو

بـر مهـدی و بـر نرجس نیکو سیر تو

مهدی که بوَد در کف او خط امان‌هـا

*****

ای در جگر شیعه شررهای غم تو

ای ارث تـو از مادر تو عمر کم تو

با آنکه بـوَد عـرش به ظلِّ علم تو

خـم شـد کمـر چـرخ ز بار الم تو

دارند به یادت همه در سینه فغان‌ها

*****

با آنکه وجودت همه جا تحت نظـر بـود

از نـور تـو لبریـز دل جـن و بـشر بـود

وز علم تـو دشمن را احسـاس خطر بود

هر جا که خبـر بـود، فقط از تو خبر بود

پیوسته تو را قوت و غذا خون جگـر بود

پر بود دلـت روز و شب از درد نهـان‌ها

*****

افسوس که شد گلشن عمـر تـو خزانی

آه ای جگـرت سـوخته از سـوز نهانی

دادنـد تــو را زهـر در ایـام جـوانی

جان شـد به لبت از ستم دشمن جانی

شد کار محبـان ز غمت مرثیه‌خـوانی

جوشید شرار از نفس مرثیه‌خوان‌هـا

*****

بگذار که بـا سـوز جگـر یـار تـو باشم

بگـذار کـه پیوسـتـه گرفتـار تـو باشم

هر چند که خوارم چه شود خار تو باشم

افتـاده بـه خـاک ره زوّار تـو باشم

بـا مهـدی موعـود عـزادار تو باشم

هـر چنـد بوَد شرح غمت فوق بیان‌ها

*****

مـن «میثمـم» و شیفتـه ی دار شمـایم

مـداح شمـا نـه سـگ دربـار شمایم

یـک عمـر گـدای سر بـازار شمایم

خود هیچم و بـا هیچ، خریدار شمایم

گفتـم کـه شـوم یار شما، عار شمایم

دارم بـه سـر شانه بسی کوه زیان‌ها

*****

۴– ای متجلی از رخت جلوه ی حسن داوری

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه

سبک مرثیه

قالب ترکیب بند

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع بهار امامت ۲

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای متجلی از رخت جلوه ی حسن داوری

غیـر نبـی بـه انبیـا داده خـدات برتـری

هم به زمین امامت و هم به سمات، سروری

خلقت و طینتت همه فاطمی است و حیدری

حسن نکـویت از همـه کـرده ندیـده دلبری

تویی امام عسکری تویی امام عسکری

*****

محیط علم و معرفت یگانه گوهرش تویی

سپهر نور اگر دهد مه منورش تویی
ملک اگر ملک شده، امام و رهبرش تویی
سلام ما به سامره که سایه‌گسترش تویی
مزار تو در آن زمین، نموده نورگستری
تویی امام عسکری تویی امام عسکری
*****
در آسمان معرفت شمس تویی، قمر تویی
تمام نخل علم را ریشه تویی، ثمر تویی
بحار نور را همه صدف تویی، گهر تویی
شب سیاه هجر را صبح تویی، سحر تویی
به ده امام و یک ولی پدر تویی، پسر تویی
ز وصف ما، ز مدح ما، تو بهتری، تو برتری
تویی امام عسکری تویی امام عسکری
*****
تو چشمه ی علوم حق ز، دَه یمِ ولایتی
تو حسن کردگار را جمال بی نهایتی
تو برتر از حدیثی و تو فرق هر روایتی
تو مظهر حقیقتی، تو مشعل هدایتی
تو آن ستوده حضرتی تو آن بزرگ آیتی
که می‌کند جمال تو ز خالق تو دلبری
تویی امام عسکری تویی امام عسکری
*****
اگر چه در زمین دمد فروغ جاودانی‌ات
کنند سجده قدسیان به حسن آسمانی‌ات
هزار حیف، شد بدن چو لاله ی خزانی‌ات
نوشته شد به خون دل، کتاب زندگانی‌ات
بسان شمع سوخته نماند از تو پیکری
تویی امام عسکری تویی امام عسکری
*****
سلام روح و اولیا به پیکر مطهرت
چه شد که زهر دشمنان شراره زد به پیکرت
نشان مرگ شد عیان به عارض منورت
به وقت مرگ مهدی‌ات چو جان گرفت در برت

دگـر نـگشت تشنـه لـب بریده از قفا، سرت

دگر به نیزه بر سرت، نشد جفـا ز هـر سری

تویی امام عسکری تویی امام عسکری

*****

نمـاز خوانـد مهدی‌ات بـه پیکرِ مطهرت

به احترام شد نهان، به خاک، جسم اطهرت

دگـر میـان شهرهـا نشـد اسیـر، خواهرت

نخورد چوب بر لب و نرفت نوک نی سرت

نـگشت توتیـا دگـر ز سـم اسب، پیکـرت

نشد تن تو غرقِ خون ز تیر و تیغ و خنجری

تویی امام عسکری تویی امام عسکری

*****

همـاره پـر زند دلم بـه محفل عزای تو

شراره بر دلم فکن که سوزم از برای تو

چه می‌شود سفـر کنم به شهر سامرای تو

سلام من، درود من، به صحنِ با صفای تو

وجود و بذلِ دست تو،«میثم» و خاک پای تو

نمی‌زنـم نمی‌زنـم جـز درِ ایـن حرم، دری

تویی امام عسکری تویی امام عسکری

*****

۵- زهی آن عبد خدایی که خدایی است جلالش

مشخصات

مناسبت مدح

سبک مرثیه

قالب قصیده

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع بهار امامت ۳

تعداد استفاده ۰

متن شعر

زهی آن عبد خدایی که خدایی است جلالش

صلوات از طرف خالق سرمد به جمالش
حسن بن علی این نجل جواد بن رضا را
که درود از علی و فاطمه و احمد و آلش
هر که بگرفته به رخ آبرو از خاک در او
اشک شوق آمده در چشمه ی چشم آب زلالش
هر که شد دور از او، گلشن فردوس، حرامش
هر که شد زائر او، وصل خداوند، حلالش
هر که بی‌مهرِ وی آرد به جزا طاعتِ سلمان
کلِّ طاعت به سر دوش شود کوهِ وبالش
او بوَد عسکری و عسکر او خیل ملایک
گو بیایند همه دیو صفت‌ها به قتالش
گرچه در تحت نظر بود، ولی فاتح دل شد
که روی سینه بوَد مهدی موعود، مدالش
خصمش از پا فتد و سر به در آرد ز جهنم
گر چه یک چند دهد حضرت دادار، مجالش
سجده بر تربتش آرند چه حور و چه ملایک
سائل سامره باشد چه نساء و چه رجالش
هر که رو بر حرمش کرد، جحیم است حرامش
هر که بر سامره‌اش پشت کند، وای به حالش
رَف‌رَفِ عقل کجا و پر پرواز عروجش؟
بیم دارم که به یک لحظه بسوزد پر و بالش
ز بهشت حرم سامره‌اش هر که گریزد
به خدا دیدن گلزار بهشت است محالش
وجه نادیده ی ذات ازلی، مصحف رویش
شاهکار قلم صنع الهی، خط و خالش
عوض خشم از او لاله ی لبخند ستاند
هر که با قهر کند روی به میدان جدالش
این عجب نیست که در عرش زند بانگ تفاخر
که به دور حرم سامره گردد مه و سالش
صلوات علی و فاطمه و خیل امامان
به کمال و به جلال و به جمال و به خصالش
گو بگردند ملایک همه‌جا ملک خدا را
نه توان دید نظیرش، نه توان یافت مثالش

از خدا تا ابدالدهر جدا مانده و مانَد

هر که از راه محبت نبرد ره به وصالش

خسروان تاج گذارند و دل از تخت بشویند

راه یابند اگر یکسره در صفِّ نعالش

مدح او گر زِ خلایق نبوَد می‌سزد آری

پسرش مهدی موعود زند دم ز مقالش

اگر از روی خداییش زند پرده به یک سو

مهر با جلوه ی خود ذره شود ماه هلالش

عالم دل شود آباد به یاد حرم او

گرچه کردند خراب از ره کین اهل ضلالش

اوست آن بنده که دارد به همه خلایق خدایی

او خدا نیست ولی وهم بوَد مات جلالش

قعر دریا و پر کاه خدایا چه بگویم

نظم من چون ببرد راه به دریای کمالش؟

به جز از مادر و جد و پدر و خیل امامان

این محال است، محال است که یابند همالش

اوست آن باغ بهاری که خزان دور ز دورش

اوست آن مهر فروزان که به حق نیست زوالش

ناز بر جنّت و فردوس کند در صف محشر

گر بوَد در کفن شیعه گیاهی ز نهالش

جان نهم در کف ساقی اگر از لطف و عنایت

دهدم جام و در آن جام بوَد عکس خیالش

خشک گردیده در این جامه قلم در کف «میثم»

چه بیارد؟ چه بگوید به چنین منطق لالش؟

۶- ما دلشدگان را همه مونس مهدی است

مشخصات

مناسبت مدح

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ما دلشدگان را همه مونس مهدی است

امّید دل ما گل نرگس مهدی است

مجلس چو بیاد حسن عسکری است

ای مجلسیان صاحب مجلس مهدی است

۷- ای سراپا حُسن حیّ ذوالمنن

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه

سبک مرثیه

قالب مثنوی

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع نخل میثم ۴

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای سراپا حُسن حیّ ذوالمنن

سومین ابن الرّضا دوم حَسن

ای هزاران آفتابت مشتری

یا اب المهدی امام عسکری

اسوه ی تقوی خدایی بنده ای

همچو جان در جسم ایمان زنده ای

درّ ده دریا و بحر یک گُهر

آن گُهر خود حجت ثانی عشر

با همه درد و غم و عمر کمت

تا ابد مرهون احسان عالمت

از نماز و از دعای متصل

بردی از دشمن کنار حبس، دل

با خدا پیوسته در راز و نیاز

روزها را روزه، شبها در نماز

رنج هایت در ره توحید بود

سال ها یا حبس یا تبعید بود

روزگارت شعله ها بر جان فکند

دشمن ات در برکه ی شیران فکند

ایستادی بین شیران در نماز

شیرها را جانبت روی نیاز

الّه الّه گرد تو درندگان

سر فرو بردند همچون بندگان

نور علمت از درون حبس ها

کرد از ظلمت جهانی را رها

ای دمت جان داده بر روح الامین

آسمان خفته در خاک زمین

رهنمای آفرینش کیست؟ تو

شهریار ملک بینش کیست؟ تو

چشم بد از ماه رخسار تو دور

یک جمال و چارده خورشید نور

گشت دشمن در جوانی قاتلت

کُشت در ماه ربیع الاوّلت

کفر خود را عاقبت معلوم کرد

همچو اجدادت تو را مسموم کرد

سامره شد صحنه ی روز جزا

گشت تنها مهدیت صاحب عزا

ای به قربان تو و عمر کمت

قلب مهدی داغدار ماتمت

بی تو مهدی بی کس و یاور شده

طفل تنهای تو تنهاتر شده

آه از آن ساعت که با سوز و گداز

خواند مهدی بر تن پاکت نماز

کرد تا جسم ضعیفت را نظر

برکشید آهی جهان سوز از جگر

آسمان دیده اش انجم گریست

بین مردم مخفی از مردم گریست

گر چه بودی اشک دامن دامنت

بود کی زنجیر و غل بر گردنت

جسم تو زخم از دم خنجر نداشت

پیکر جد غریبت سر نداشت

آه از آن ساعت که زین العابدین

پیشوای عابدین و ساجدین

دید در گودال خون بر روی خاک

پیکر پاک پدر را چاک چاک

یوسف زهرا و زخم تیر و سنگ

گرگها کردند جسمش چنگ چنگ

گشت از چشمش روان دریای خون

خواست جانش از بدن آید برون

همدم او جز شرار تب نبود

جان ز کف می داد اگر زینب نبود

«میثم» از این قصه کن صرف نظر

چشم ها شد چشمه ی خون جگر

۸- ای به فلک کرده ملک پروری

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه

سبک مرثیه

قالب قصیده

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع نخل میثم ۴

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای به فلک کرده ملک پروری

زهره و شمس و قمرت مشتری

یازدهم اختر برج هدی

یوسف زهرا حسن العسکری

هم به سر دست، زمام فلک

هم به کف پات سر سروری

خوانده رسولت حَسن اهل بیت

داده خدایت به همه برتری

عسکر تو در همه ارض و سما

جن و ملک آدم و حور و پری

هم به رضا حجت هشتم، پسر

هم پدر حجت ثانی عشر

*****

کعبه ی اهل نظری یا حسن

آینه ی دادگری یا حسن

نخل امید رضوی را ثمر

یا که جواد دگری یا حسن

یک حسنی و سه محمد جمال

چار علی را پسری یا حسن

با همه کس مونسی و همدمی

از همگان خوبتری یا حسن

هم ثمر ده شجر طیبه

هم صدف یک گهری یا حسن

نام حسن گشته برازنده ات

شاهدم این حُسن فروزنده ات

*****

ذکر تو تسبیح و مناجات ما

سامره ات قبله ی حاجات ما

چشم خدا! گر تو اشارت کنی

باز شود قفل مهمات ما

مِهر تو در سینه ی افروخته

مُهر تو در نامه ی طاعات ما

کوری دشمن به دو دنیا بود

دوستی ات فخر و مباهات ما

بی تو بهشت است جحیم همه

با تو قبول است عبادات ما

آینه ی دل ز تو شد منجلی

ابا محمد حسن بن علی

*****

ای دو جهان جان و تنت را فدا

نطق و بیان و سخن ات را فدا

ریخته از لعل لبت درّ وحی

گوهر درج دهنت را فدا

آینه در آینه در آینه

روی حَسن در حَسنت را فدا

معجز گفتار و نفوذ کلام

منطق دشمن شکن ات را فدا

حُسن تو چون باغ گل یاسمن

باغ گل یاسمن ات را فدا

یوسف تبعیدی تحت نظر

ماه جمالت همه جا جلوه گر

*****

مدح تو جان بخش ترین زمزمه

مهر تو روشنگر قلب همه

یا حسن بن علی ابن الجواد

جان رضا نور دل فاطمه

رفتارت رفتار انبیاء

گفتارت آیات محکمه

اجدادت ارکان نه سپهر

فرزندت گردون را قائمه

طوبی عمه ی تو را پای بوس

حورا نرجس تو را خادمه

در حدم قدس تو افلاکیان

گشته ثناخوان تو با خاکیان

*****

ای دل هر شیعه محیط غمت

دست عنایت به سر عالمت

شاهد غمهای فراوان تو

قبر غریب تو و عمر کمت

از چه جوانمرگ شدی ای که بود

زنده دو صد جان مسیح از دمت

مهدی موعود تو در کودکی

اشک عزا ریخته در ماتمت

کوه و در و دشت عزا خانه اش

مانده به رخ اشک غریبانه اش

*****

مهدی تو داشت بسی آرزو

تا که تو گلبوسه بگیری از او

اشک غریبی اش روان از دو چشم

بغض یتیمی اش نهان در گلو

ناله کشید از جگر سوخته

ریخت به رخسار تو آب وضو

اشک فشان گریه کنان نا امید

داد گل روی تو را شستشو

بعد تو ای حجت پروردگار

مهدی تو با که کند گفتگو

روح تو از تن چو به پرواز شد

غربت مهدی تو آغاز شد

*****

ای شرر داغ تو بس جانگداز

چشم خدا بین بنما باز، باز

عمر تو کوتاه چو یک برگ گل

غصه ی غمهای فزونت دراز

کودک شش ساله ی تو آمده

تا به تن پاک تو خواند نماز

خیز و بکش ناز از آن نازنین

کز غم تو خم شده آن سرو ناز

یوسف دور از وطن فاطمه

لاله ی تبعیدی باغ حجاز

لرزه بر اندام تو افتاده بود

خصم چه زهریت مگر داده بود

*****

ای شده روزت ز غم و غصه شام

ریخته اشک از غم بابا مدام

حجت معبود سلام علیک

مهدی موعود سلام علیک

سوخت شرار غمت آخر جگر

ریخت فلک زهر فراغت به جام

گاه کنی گریه به جدت حسین

گه ز غم مادر والا مقام

اشک فشان تو بود فاطمه

چشم به راه تو بود هر امام

منتظران تو همه عالمند

سوخته با زمزمه ی «میثمند»

*****

شهادت

۱- ای ز چشم همگان ریخته اشک بصرت

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک مرثیه

قالب غزل

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع بهار امامت ۳

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای ز چشم همگان ریخته اشک بصرت

حسنی و چو حسن خون شده عمری جگرت

همچو اجداد غریبت همه ی عمر غریب

به جوانی شده مسموم چو جد و پدرت

در پی ماه صفر معتمد از زهر جفا

کرد با عمّ گرامیت حسن همسفرت

بسکه در جامعه مظلوم و غریب و تنهاست

نیست ممکن که عزا بر تو بگیرد پسرت

چشم بگشا به سوی خانه ی در بسته خویش
که عزادار شده همسر نیکو سیرَت
سال‌ها تحت نظر بودی و بودی در حبس
کس ندانست و نداند که چه آمد به سرت
چشم حق‌بین تو شد بسته و می‌بینی باز
همه جا غربت مهدی است به پیشِ نظرت
سال‌ها شمع صفت سوختی و آب شدی
نه فقط زهر جفا زد به دل و جان شررت
سال‌ها بود که با یاد لب خشک حسین
خون دل بود روان روز و شب از چشم ترت
«میثم» از خواجگی هر دو جهان دست کشد
بشماریش اگر جزء گدایان درت

۲- امام عسکری گردیده مسموم

مشخصات

مناسبت شهادت
سبک مرثیه
قالب آهنگین
شاعر سازگار حاج غلامرضا
منبع بهار امامت ۲
تعداد استفاده ۰

متن شعر

امام عسکری گردیده مسموم
سر مهدی سلامت سر مهدی سلامت
*****
بـه شهـر سامـره جـان داده مظلوم
سر مهدی سلامت سر مهدی سلامت
*****
بهـار عمـر او گشته خزانی
فدا گردیده در سن جوانی
خـدا دانـد کـه او در زندگانـی

ز حق خویشتن گردیده محروم

سر مهدی سلامت سر مهدی سلامت

*****

مزار او گواه غربت او

غریب افتاده حتی تربت او

به عالم شرح مظلومیت او

ز عمر کوتهش گردیده معلوم

سر مهدی سلامت سر مهدی سلامت

*****

چو اجدادش ستم بسیار دیده

شهادت را هزاران بار دیده

همواره از عدو آزار دیده

به جرم اینکه آن مولاست معصوم

سر مهدی سلامت سر مهدی سلامت

*****

دگر خاموش شد صوت دعایش

نمی‌آید صدای دلربایش

ببار ای اشک امشب در عزایش

که رفت از این جهان با قلب مغموم

سر مهدی سلامت سر مهدی سلامت

*****

بسوزم مثل شمعی تا بگریم

به یاد یوسف زهرا بگریم

برای عترت طاها بگریم

که مظلومند و محرومند و مهموم

سر مهدی سلامت سر مهدی سلامت

*****

۳- در ماتم ابا محمد

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک مرثیه

قالب آهنگین

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع بهار امامت ۳

تعداد استفاده ۰

متن شعر

در ماتم ابا محمد

سرت سلامت یا محمّد

زمین سامره محشر کبراست

اشک غم بر رخ مهدی زهراست

وا مصیبت وا مصیبت(۲)

*****

مهدی دگر تنهای تنهاست

مانند شمع انجمن‌هاست

گشته آن ماه غایب از نظرها

از دو چشمش روان خون‌جگرها

وا مصیبت وا مصیبت(۲)

*****

جان حسن بر لب رسیده

رنگ از رخ مهدی پریده

گشته پرپر گل باغ امامت

حجت بن الحسن سرت سلامت

وا مصیبت وا مصیبت(۲)

*****

قسمت ما اشک عزا شد

پاره جگر ابن الرضا شد

فاطمه آید از شهر مدینه

در عزای حسن زند به سینه

وا مصیبت وا مصیبت(۲)

*****

این آفتاب برج دین است

جنازه اش روی زمین است

شیعه در ناله و سوز و گداز است

حجت بن الحسن وقت نماز است

وا مصیبت وا مصیبت(۲)

*****

۴- ای قبله ی حرم، حرم سامرای تو

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک مرثیه

قالب ترکیب بند

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع بهار امامت ۱

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای قبله ی حرم، حرم سامرای تو

بیت الولای دل حرم با صفای تو

قرآن یگانه دفتر مدح و ثنای تو

روح ملک کبوترصحن و سرای تو

آیینه ی جمال خداوند سرمدی

فرزند پاک چار علی، سه محمدی

*****

رضوان بدان جلال و شرف سائل درت

خورشید سجده برده به صحن مطهرت

روح رضاست در نفس روح پرورت

نامت حسن نه بلکه حسن پای تا سرت

میراث زهد و نور هدایت ز هادیت

علم امام هشتم و جود جوادیت

*****

معصوم سیزده ولی الله ذوالمنن

ابن الرضای سومی و دومین حسن

گل ریزد از بهشت به خاکت چمن چمن

شرمنده در ثنای تو از کوچکی سخن

دُر کلام و لعل لب گوهری کجا

وصف ابا محمدنِ العسگری کجا

*****

انوار ده امام درخشد ز روی تو

یادآور رسول خدا خُلق و خوی تو

زیباترین دعای ملک گفتگوی تو

مسجود جنّ و انس بود خاک کوی تو

بحری که در صدف، دُر جان پرورد تویی

در دامنش امام زمان پرورد تویی

*****

ویرانه ی مزار تو مسجود آسمان

قبر تو کعبه ی دل و صحنت مطاف جان

زوّار هر شب حرمت صاحب الزمان

کوری چشم دشمنت ای قبله ی جهان

تنها نه سامره، همه عالم دیار توست

هر جا رویم در بغل ما مزار توست

*****

قبر مطهر تو اگر چه خراب شد

یا بر حریم تو ستم بی حساب شد

و آن دلربا ضریح نهان در تراب شد

هرچند قلب شیعه از این غم کباب شد

هر روز قبه ی تو فروزنده تر شود

جاه و جلال و مرتبه ات زنده تر شود

*****

ای نُه سپهر فرش رفیع عبادتت

ای لطف و جود و مرحمت و بذل، عادتت

اقرار کرده دشمن تو بر سیادتت

یاد آمدم به فصل جوانی شهادتت

ای زخم دل هماره فزون از ستاره ات

از ما سلام بر جگر پاره پاره ات

*****

با آن که در محاصره بودی تو سالها

دیدی ز دشمنان، غم و رنج و ملالها

کردند با تو از ره طغیان جدالها

دادی به شیعه عزت و قدر و جلالها

نور ولایتت ز دل حبس ای شگفت

چون آفتاب یکسره آفاق را گرفت

*****

داغت به قلب شیعه شراری عظیم شد

خون بر دلت ز کینه ی اهل جحیم شد

روح تو در بهشت الهی مقیم شد

با رفتن تو حضرت مهدی یتیم شد

یابن الحسن از این همه بیداد، الامان

عجّل علی ظهورک یا صاحب الزمان

*****

ای عدل تو زوال ستم گستری بیا

نادیده کرده بر همه روشنگری بیا

ای آخرین دُر صدف کوثری بیا

ای نور دیده ی حسن عسگری بیا

تا کی فراق روی تو آتش به جان زند

تا کی به شیعه خصم تو زخم زبان زند

*****

ای خوانده جنّ و انس و ملک پیر و مقتدات

تو جان جان عالمی و جان ما فدات

خُلق علی و خلق نبی جلوه ی خدات

«میثم» به این دو مصرع نیکو دهد ندات

یا صاحب الزمان به ظهورت شتاب کن

عالم ز دست رفت تو پا در رکاب کن

*****

۵- ای به غربت گشته مسموم از ره بی یاوری

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک مرثیه

قالب آهنگین

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع بهار امامت ۱

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای به غربت گشته مسموم از ره بی یاوری

کشته ی راه خدا و زاده ی پیغمبری

یا امام عسگری یا امام عسگری

*****

ای که از عباسیان ظلم و جنایت دیده ای

صدمه ها در نشر قرآن و ولایت دیده ای

در جوانی درد و رنج بی نهایت دیده ای

کنج زندان کرده ای بر خلق عالم رهبری

یا امام عسگری یا امام عسگری

*****

ای که در سن جوانی مثل گل پرپر شدی

کشته ی راه خدا و دین پیغمبر شدی

با وجود شیعیان بی یار و بی یاور شدی

بر سرت آمد بلاها با تمام سروری

یا امام عسگری یا امام عسگری

*****

ای سراپا روح قرآن ای وجودت جان پاک

آخر از زهر جفا گردیده قلبت چاک چاک

پیکر نورانیت شد در جوانی زیر خاک

ای جمالت مصطفایی ای جلالت حیدری

یا امام عسگری یا امام عسگری

*****

مثل اجدادت شدی مسموم از زهر جفا

شد عزادار تو زهرا و علی و مصطفی

شهر «سُرَّ مَن رَءا» در ماتمت شد کربلا

مهدیت پوشیده بر تن جامه ی نیلوفری

یا امام عسگری یا امام عسگری

*****

گرچه دیدی روز و شب بیداد از خصم شریر

دیده ای در عمر خود تبعید و زندان ناگزیر

خواهرت دیگر نشد در بین دشمنها اسیر

مثل زینب درمصیبت کس ندیده خواهری

یا امام عسگری یا امام عسگری

*****

۶- دوستان بر من و سوز جگرم گریه کنید

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک مرثیه

قالب غزل

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع بهار امامت ۱

تعداد استفاده ۰

متن شعر

دوستان بر من و سوز جگرم گریه کنید

به شرار دل و اشک بصرم گریه کنید

من جوان بودم و در سن شبابم کشتند

بر دل سوخته و چشم ترم گریه کنید

حسنم، پاره جگر، مثل عمویم حسنم

بر من و بر عموی خون جگرم گریه کنید

من و جد و پدرم را به جوانی کشتند

در عزای من و جدّ و پدرم گریه کنید

من شهیدم ولی از خصم نخوردم سیلی

همه بر مادر نیکو سیَرم گریه کنید

سال ها بود که در تحت نظر بودم حبس

همه بر قصه ی تحت نظرم گریه کنید

قبر ویران شده ام گشت بقیع دگری

داغداران به بقیع دگرم گریه کنید

بعد من مهدی من بی کس و تنها ماند

به غریبی یگانه پسرم گریه کنید
گریه ی منتظران مرحم زخم دل اوست
بر ظهور خَلَف منتظرم گریه کنید
به محبان من اعلام کن اینک «میثم»
همه بر حجت ثانی عشرم گریه کنید

۷- یا حجت ثانی عشر یا اباصالح

مشخصات

مناسبت شهادت
سبک مرثیه
قالب آهنگین
شاعر سازگار حاج غلامرضا
منبع بهار امامت ۳
تعداد استفاده ۰

متن شعر

یا حجت ثانی عشر یا اباصالح
گریه کن از داغ پدر یا اباصالح
امــام مظلــوم، گردیده مسموم
آجرک ا... بقیه ا...(۲)
*****
زهر جفا زد شررش آه واویلا
شد پاره پاره جگرش آه واویلا
مهدی امّت، سـرت سـلامت
آجرک ا... بقیه ا...(۲)
*****
در ماتم ابن الرضا یا اباصالح
فاطمه شد صاحب‌عزا یا اباصالح
سامره غوغاست، محشر کبراست
آجرک ا... بقیه ا...(۲)
*****
داری مصیبتی عظیم یوسف زهرا

در کودکی گشتی یتیم یوسف زهرا

حجّت دادار، گشتی عـزادار

آجرك ا... بقیه ا...(۲)

*****

با آن همه سوز و گداز یا اباصالح

بر پیکرش خواندی نماز یا اباصالح

خون در دوعین است، غریب حسین است

آجرك ا... بقیه ا...(۲)

*****

۸- یوسف فاطمه، سلاله ی مصطفی

مشخصات

مناسبت شهادت

سبك مرثیه

قالب آهنگین

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع بهار امامت ۱

تعداد استفاده ۰

متن شعر

یوسف فاطمه، سلاله ی مصطفی

در جوانی شدی کشته ی زهر جفا

شد به فصل شباب، قلب زارت کباب

ابا محمد، ابا محمد

*****

گریه کن شیعه در عزای ابن الرضا

زهر دشمن نبود جزای ابن الرضا

اجر آن مقتدا، عاقبت شد ادا

ابا محمد، ابا محمد

*****

او مگر شمع جمع آل یاسین نبود

اجر فرزند پاك فاطمه این نبود

زاده ی مصطفی، دیده عمری جفا

ابا محمد، ابا محمد

*****

کشته از زهر کین یوسف زهرا شده

حجت ابن الحسن غریب و تنها شده

رهبر انس و جان، دیده بست از جهان

ابا محمد، ابا محمد

*****

ای مزار خرابت سند غربتت

دل هر دل شکسته زائر تربتت

مانده ویران چرا، حرم سامرا

ابا محمد، ابا محمد

*****

گل باغ رضا سلاله ی بوتراب

ز چه گلدسته های حرمت شد خراب

حرمت در نظر، شد بقیع دگر

ابا محمد، ابا محمد

*****

جان فدای تو و حریم بی زائرت

سند غربتت خرابی حائرت

بر تو هر صبح و شام، شیعه گرید مدام

ابا محمد، ابا محمد

*****

۹- غصه دارم به سینه ای آقا

مشخصات

مناسبت تخریب قبور

سبک ولادتی

قالب مثنوی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

غصه دارم به سینه ای آقا
قصه های مدینه ای آقا
قصه ی کوچه های تنهایی
قصه ی غصه های زهرایی
قصه ی ریسمان و دست علی
قصه ی غربت هست علی
قصه ی بغض مانده در حلقوم
قصه ی بی کسی یک مظلوم
قصه ی دشمنی با حیدر
قصه ی ناله های پشت در
قصه ی اشک مرد بی همتا
پیش طفلان و همسرش زهرا
قصه میخ و آتش و قرآن
قصه ی حور و پنجه ی شیطان
قصه ای از شکستن پهلو
قصه ی تازیانه و بازو
قصه ی اشک و آه عالمتاب
از غم فرو ریختن سرداب
قصه ی حرمت شکسته شده
قلب گلدسته ای گسسته شده
العجل تا تقاص را گیری
انتقام گل خدا گیری

۱۰- چرا زیر و رو نمی شی آسمان بی خبری

مشخصات

مناسبت تخریب قبور
سبک ولادتی
قالب رباعی
شاعر ناشناس
منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

چرا زیر و رو نمی شی آسمان بی خبری

نمی بینی چی شده قبر امام عسکری

شنیدم غبار غم گرفته صحن خلوتش

اثری نمونده از گنبد با ابهتش

۱۱- هشدار که ماتم عظیم است امشب

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

هشدار که ماتم عظیم است امشب

دلها همه با غصه ندیم است امشب

بر صاحب عصر تسلیت باید گفت

کآن درّ گرانمایه یتیم است امشب

۱۲- عالم مدار ذات شما و شما غریب

مشخصات

مناسبت تخریب قبور

سبک نوحه سنگین جدید

قالب رباعی

شاعر عبدالکریمی مهدی

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

عالم مدار ذات شما و شما غریب

شاید که بهتر است بگویم خدا غریب

سخت است دیدنش که به دیوارهای شهر

هر گوشه ای نوشته شده سامرا غریب

۱۳- گنبد طلایی داشتی صحن با صفایی داشتی

مشخصات

مناسبت تخریب قبور

سبک نوحه سنگین جدید

قالب آهنگین

شاعر عبدالکریمی مهدی

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

آقام آقام امام حسن امام حسن امام حسن(۳)

*****

گنبد طلایی داشتی صحن با صفایی داشتی

عتباتیا میدونن چه برو بیایی داشتی

سامرا بقیع دوم سامرا خرابه ی شام

سامرا یه کربلایی واسه ی فرات اشکام

آروم و قرارمونو سامرا بردند که بردند

چه بلایی سر سرداب مقدست آوردند

این روزا عکس جدیدت شده قاب طاقچه هامون

حتی پژمرده بیادت گلای تو باغچه هامون

قربون دل امامم خونشو خراب کردند

غصه هاش کم بود که بازم دلشو کباب کردند

۱۴- این فاجعه جریحه ی احساسها شده

مشخصات

مناسبت تخریب قبور

سبک نوحه سنگین جدید

قالب رباعی

شاعر عبدالکریمی مهدی

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

این فاجعه جریحه ی احساس ها شده

چون صاعقه بلای دل یاس ها شده

تصویر کهنه اش که به تاریخ دل سپرد

ویران سراش سوژه ی عکاس ها شده

۱۵- سوخت از زهر ز پا تا به سرم

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب قافیه پریشان

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

سوخت از زهر ز پا تا به سرم

آب گردیده خدایا جگرم

پسرم مهدی موعود کجاست

تا ببیند که چه آمد به سرم

*****

دشمنانم همه شادند ولی

گَرد غم ریخت به روی پسرم

پسرم گرید و گوید همه دم

پدرم ای پدرم ای پدرم

*****

یاد تنهایی مهدی هر دم

می رود خون ز دو چشمان ترم

از پس ماه صفر زهر جفا

کرد با ختم رُسل همسفرم

*****

آب آرید برایم یاران

که به دل سخت فتاده شررم

ای خدا یاد لب خشک حسین

سوزد از زهر جفا بیشترم

*****

آن حسینی که سرش هست هنوز

به سر نیزه عیان در نظرم

آن حسینی که به قاتل می گفت

آب ده آب که سوزد جگرم

*****

۱۶- ای گل گلشن هستی پسرم مهدی جان

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب غزل

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای گل گلشن هستی پسرم مهدی جان

زهر کین سوخت ز پا تا به سرم مهدی جان

تشنگی برده ز کف صبر و توان از تن من

برسان آب که سوزد جگرم مهدی جان

به کنارم بنشین تا که تماشات کنم

که من آماده برای سفرم مهدی جان

همچو شمع از اثر زهر جفا آب شدم

به گناهی که علی را پسرم مهدی جان

قصه ی کوچه و سیلی جگرم سوخت که سوخت

خورده آتش همه ی برگ و برم مهدی جان

آخرین لحظه ی عمر است ولی می آید

قاتل فاطمه پیش نظرم مهدی جان

از دل قبر تن آن دو نفر بیرون کن

که به یاد لگد و میخ درم مهدی جان

قاتل من بخدا قاتل زهراست نه زهر

کز شرر سوخته او بال و پرم مهدی جان

۱۷- چراغ عمر عسکری گردیده خاموش

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

چراغ عمر عسکری گردیده خاموش

در باغ رضوان فاطمه گشته سیه پوش

ای حجت ثانی عشر ، مهدی امام منتظر ، سرت سلامت

بقیه ا... ، آجرک ا...

*****

با عمر کوتاهش چها دیده به دوران

گاهی به تبعید و گهی گوشه ی زندان

آتش گرفته پیکرش ، می سوزد از پا تا سرش ، سرت سلامت

بقیه ا... ، آجرك ا...

*****

۱۸- در ماتم عسکری سما می گرید

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

در ماتم عسکری سما می گرید

ارواح تمام انبیاء می گرید

زهرا به بقیع حسین در کربلا

در طوس غریب الغربا می گرید

۱۹- گشت بابای تو مسموم از جفا یابن الحسن

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

گشت بابای تو مسموم از جفا یابن الحسن

سوخت از زهر ستم سرتا بپا یابن الحسن

عسکری شد کشته از زهر جفای معتمد

عالمی ماتمسرا شد زین جفا یابن الحسن

۲۰- چهره ی مهتاب جانم هاله ای از غم گرفته

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

چهره ی مهتاب جانم هاله ای از غم گرفته

از غروب ماه رویم سامرا ماتم گرفته

من غریب سامرایم ، یادگار مرتضایم

همچو اجداد غریبم ، کشته ی زهر جفایم

وا غریبا (۲)

*****

قطره قطره می شود آب شمع سوزان دل من

کشتی اندوه و هجران آمده در ساحل من

گشته هنگام جدایی ، سوزم از زهر جفایی

آخر از بهر شفایم ، یوسف بابا کجایی

وا غریبا (۲)

*****

سوزد این بال و پر من از شرار زهر کینه

با نسیم آرزوها پر کشم من تا مدینه

تا ببینم روی یارم ، یا که او آید کنارم

ذکر یا زهرا بگویم ، تا نیاید ، بیقرارم

وا غریبا (۲)

*****

۲۱- تسلیت ای حجت ثانی عشر یابن الحسن

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب غزل

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

تسلیت ای حجت ثانی عشر یابن الحسن

زود بود از بهر تو داغ پدر یابن الحسن

قلب بابت از شرار زهر دشمن آب شد

سوخت جسم و جانش از پا تا به سر یابن الحسن

کودک شش ساله بودی بر پدر خواندی نماز

ریختی از چشم خود خون جگر یابن الحسن

زود گرد بی کسی بر ماه رخسارت نشست

زود کردی جامه ی ماتم به بر یابن الحسن

طفل بودی پیش چشمت چشم بابا بسته شد

تو نگه کردی و او زد بال و پر یابن الحسن

قرنها فریاد زهرا مادرت آید بگوش

از مدینه بین آن دیوار و در یابن الحسن

یوسف زهرا بیا با ما بگو آخر چرا؟

تربت زهراست مخفی از نظر یابن الحسن

قرنها چشم تو گریان است بر جدت حسین

لحظه لحظه ریختی اشک از بصر یابن الحسن

۲۲- فریاد یا للمسلمین فریاد فریاد

مشخصات

مناسبت تخریب قبور

سبک مرثیه

قالب قصیده

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع نخل میثم ۴

تعداد استفاده ۰

متن شعر

فریاد یا للمسلمین فریاد فریاد

یاران غیرتمند دین فریاد فریاد

آنانکه با اسلام و قرآن در نبردند

آنان که توهین بر رسول ا... کردند

بار دگر اجداد خود را یاد کردند

در شهر «سُرّ مَن رَآ» بیداد کردند

ویرانه شد با دستشان قبر دو معصوم

قبر دو معصوم همیشه بوده مظلوم

ویرانه شد قبر دو وجه ا... ذوالمن

در انفجار بمب از بیداد دشمن

یابن الحسن بنگر مزار مادرت را

قبر حکیمه مادر غمپرورت را

هم قبّه و هم قبرشان در هم فرو ریخت

گویی به فرق مسلمین عالم فرو ریخت

این زشت خویان وارثان قوم فیل اند

بیچاره و پست و زبونند و ذلیل اند

اینان سراسر نسل شرالناس هستند

اینان همان قوم بنی العباس هستند

در سفره ی اشغالگرها کاسه لیس اند

مزدور آمریکا و عبد انگلیس اند

این تیره دل ها دشمن ا...، نورند

کورند اما خود نمی دانند کورند

اینان نه دین دارند، نه فرهنگ دارند

سنی و شیعه زین جماعت ننگ دارند

اینان همه زائیده ی ام الفسادند

پیش از ولادت با شیاطین دست دادند

خصم نبی و خصم حیدر خصم آل اند

باور نشاید کرد کز نسل حلال اند

این قبرها را مسلمین با سرفرازی
سازند همچون کعبه از نو باز سازی
کعبه اگر ویرانه شد آباد شد باز
از آن قلوب اهل ایمان شاد شد باز
عباسیان قلب پیمبر را شکستند
از کینه بر قبر حسینش آب بستند
بیرون اگر یک چند سر از تخم کردند
حتی زمین آن حرم را شخم کردند
گردید ویران بارها ز آن قوم نسناس
قبر حسین و هم شهیدان، قبر عباس
آنان به ذلت جایشان شد حفره ی خاک
اینان کشد گلدسته هاشان سر به افلاک
ویران اگر گردید قبر عسکریّین
هرگز نرفته نورشان یک لحظه از بین
انوار وجه ا... در آیینه ی ماست
آل محمد قبرشان در سینه ی ماست
روشن بود تا حشر شمع محفل ما
پیوسته باشد قبر نرجس در دل ما
این قبرها در چشم ما نورند نورند
خفاش های تیره دل کورند کورند
یا قائم آل محمد سیدی قُم
بنگر به قبر عمه و جد و أب و اُم
گم گشته ی شیعه گل باغ امامت
ای یوسف زهرا سرت بادا سلامت
جا دارد ار ریزد سرشک از هر دو عینت
ویرانه شد قبر شریف والدینت
بر خاک پاک این حرم با خون نوشته
هرگز نگردد دیو، غالب بر فرشته
ما با همه گفتیم تو مولای مایی
ای صاحب ما یابن زهرا کی میایی؟
تا چند فُلک آرزو در گِل نشیند
تا چند شیعه اشک ریزد داغ بیند
تا چند فریاد از سر بُبریده خیزد

تا چند خون جوشد ز رگ های بریده

تا چند یاران تو را صبر و متانت

تا چند بر پیغمبر اکرم اهانت

تا چند از مظلومی حیدر حکایت

تا چند آتش خیزد از بیت ولایت

تا چند آه فاطمه زندان به سینه

تا چند قبر فاطمه گم در مدینه

تا چند «میثم» شعر در هجران سُراید

تو خود دعا کن تا که این هجران سر آید

۲۳- ما راه تو را با دل و جان می پوئیم

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ما راه تو را با دل و جان می پوئیم

با تو ز غریب سامرا می گوئیم

بر بزم عزای پدر مظلومت

از مقدم تو نشانه ای می جوئیم

۲۴- این شهر سامره است و یا عرش کبریاست

مشخصات

مناسبت سامرا

سبک مرثیه

قالب قصیده

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع نخل میثم ۳

تعداد استفاده ۰

متن شعر

این شهر سامره است و یا عرش کبریاست
یا کعبه ی مقدس دلهای انبیاست
شهری که مطلع دو مه است و دو آفتاب
کز نورشان به چشم دل اهل دل ضیاست
اینجا مزار حضرت هادی و عسکری است
اینجا حریم پاک دو محبوب کبریاست
اینجاست قبر حضرت هادی ولیّ حق
ابن الرضا علی، خلف پاک مرتضاست
حاجت از او بخواه که باب الحوائج است
درمان از او بگیر که خاک درش شفاست
قبر امام عسکری از جان و دل ببوس
زیرا که قبلگاه دل و کعبه ی ولاست
مولای خلق والد مهدی منتظر
شمس الولا، امام اُمم، حجت خداست
اینجا مزار عمه ی صاحب زمان بود
آن اختری که دختر والشمسُ و الضحاست
آن بانویی که مَحرم سرّ ولایت است
نامش حکیمه فخر زنان شمسه ی حیاست
اینجا مزار نرجس پاکیزه دامن است
آن بانویی که مادر مولای عصر ماست
از ما سلام باد به مهدی و مادرش
تا اهلبیت را شرف و عزت و بقاست
اینجا امام عصر به عالم قدم نهاد
مانند مرتضی که بر او کعبه زادگاست
اینجا مکان غیبت آن نجل فاطمه است
اینجا محل زمزمه و گریه و دعاست
«میثم» بخوان دعای فرج را در این حرم
حاجات خود بخواه که از لطف حق رواست

۲۵- آمدی زهر جفا دلخوشم از آمدنت

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب غزل

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

آمدی زهر جفا دلخوشم از آمدنت

شعله ور گشتم و ممنونم از آتش زدنت

سینه ای را که همه عمر ز داغی می سوخت

شد عیان آتش پنهانیش از آمدنت

منکه خود سوخته ی ماتم یارم بودم

کرده خاکسترم این شعله ی رنج و محنت

تا که من سوختم از زهر بگفتم مادر

بفدای تو و اندوه و غم و سوختنت

مادرا پیکرم آزرده و مسموم شده

اقتدا کرده بر آن رنگ کبود بدنت

پسرم بهر شفا بر جگر سوخته ام

آور ای یوسف من رایحه ی پیرهنت

بنشین بر سر بالینم و یا زهرا بگو

دم آخر کند آرام مرا این سخنت

۲۶- از دیده سرشک غم ببارد مهدی

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

از دیده سرشک غم ببارد مهدی

بر قبر پدر جبین گذارد مهدی

هر جا که عزای عسکری منعقد است

بر بزم عزا حضور دارد مهدی

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی

همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».